

Analysis of Nutritional Habitus and its Related Factors (Case-Study Residents of Sanandaj: 2019)

ARTICLE INFO

Article Type

Analytical Review

Aurhors

Fardin Mohammadi¹,
Amjad Mohammadi Bolbanabad²,
Bakhtiar Piroozi³,
Abdol-rahim Aphkhamzadeh⁴,
Hossain Mohammadi⁵,
Ali Malaki⁶

How to cite this article

Fardin Mohammadi, Amjad Mohammadi Bolbanabad, Bakhtiar Piroozi, Abdol-rahim Aphkhamzadeh and its Related Factors (Case-Study Residents of Sanandaj: 2019), Journal of Islamic Life Style Centered on Health. 2020;4(3):1-9.

1. Social Determinants of Health Research Center, Kurdistan University of Medical Sciences, Sanandaj, Iran. (Coresponding Author)
2. Social Determinants of Health Research Center, Kurdistan University of Medical Sciences, Sanandaj, Iran.
3. Social Determinants of Health Research Center, Kurdistan University of Medical Sciences, Sanandaj, Iran, Iran.
4. Social Determinants of Health Research Center, Kurdistan University of Medical Sciences, Sanandaj, Iran, Iran.
5. MA In Sociology, Shiraz University, Shiraz, Iran.
6. MA In Sports Physiology, Šahid Behešti University.

* Correspondence:

Address:

Phone:

Email: fardin.mohammadi1@gmail.com

Article History

Received: 2020/08/18

Accepted: 2020/09/06

ePublished: 2020/10/24

ABSTRACT

Purpose: The main objective of this paper is to descriptive status of nutritional Habitus examine the impact of economic capital on it as a social / cultural phenomenon. To achieve this goal, the theoretical framework of research is on social capital theory of Pierre Bourdieu, and its according Research hypotheses were raised.

Material and Methods: The population of this research was residents of Sanandaj that using Multi-stage cluster sampling 576 of them were selected. The method used in this study was a survey and questionnaire, after collecting data, descriptive and inferential statistical methods were used to analyze the data.

Results: The results of this study indicate that level of nutritional habitus of citizens is moderate and medium to high. Explainable results also showed that the level of correlation is reported 0/559 between nutritional Habitus and the economic capital. Independent variable “economic capital” alone accounts for about 31 percent of the changes in the purchase of nutritional Habitus of residents of Sanandaj. The results of the analysis of the relationship between nutritional Habitus and demographic variables also show that the nutritional Habitus has a significant relationship with the variables of age and marital status and has no relation with other variables (religion, education, and gender).

Conclusion: Thus the results showed a significant positive correlation between nutritional Habitus and the economic capital there. And economic capital is one of the effective factors that plays an important role in nutritional Habitus.

Keywords: Habitus, Economic Capital, Nutritional Habitus, Bourdieu.

بررسی عادت وارهای غذایی و عوامل مرتبط با آن

(مورد مطالعه: ساکنین شهر سنندج؛ سال ۱۳۹۷)

* نویسنده مسئول: fardin.mohammadi1@gmail.com

مقدمه

در جامعه مدرن که تنوع و تکثر کالا و آزادی فردی در مصرف از ویژگی‌های آن است، سبک زندگی متنوع، امکان بروز پیدا کرده است. در زندگی مدرن به دلیل گسترش آزادی‌های فردی، سرعت بالای تغییرات، تنوع و تکثر کالاهای در دسترس به ویژه مواد غذایی، ذائقه و عادات غذایی و به تبع آن سبک زندگی عامه مردم تغییر یافته است؛ به طوری که بسیاری از مردم به مصرف غذاهای آماده و چرب روی آورده‌اند (۱).

تغییرات سبک زندگی و عادات غذایی مردم جهت استفاده از غذاهای چرب و انرژی‌زا و کاهش فعالیت فیزیکی موجب پایین آمدن سطح سلامتی اعضای جامعه و رشد روز افزون اضافه‌وزن، چاقی و بیماری‌های مزمن در کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته شده است (۲). علت بیماری‌های خطرناکی مانند پوکی استخوان نیز عادات غذایی نامناسب مانند مصرف سیگار، فعالیت بدنی کم، مصرف بیش از حد کافئین، دریافت ناکافی کلسیم و ویتامین D معرفی شده است (۳). در ایران نیز تحقیقات انجام شده روی نوجوانان حاکی از عادات غذایی نادرست از جمله میان وعده‌های ناسالم و دریافت نامناسب چربی‌ها می‌باشد که نیاز به اصلاح و تغییر دارد (۴). در حال حاضر بسیاری از دلایل اصلی بیماری‌ها، وجود امراض مزمنی است که مستقیماً با رفتارهای اتخاذ شده شیوه زندگی و عادات غذایی ارتباط دارد (۵)؛ بنابراین تغییرات عادات غذایی خطرناک را برای سلامت انسان‌ها به وجود آورده است (۶-۸). در راستای افزایش سطح سلامتی اعضای جامعه و کاهش بیماری‌های مزمن نتایج تحقیقات تجربی حاکی از آن است که منطقی‌ترین و کم هزینه‌ترین راه پیش‌گیری از چاقی، بیماری‌های خطرناک و کاهش مرگ و میر، اصلاح سبک زندگی و بهینه‌سازی عادات غذایی است (۲، ۳).

تغذیه، عادات غذایی و نقش آن در زندگی به مثابه بخشی از عادات رفتاری مورد بررسی و بسط علوم مختلفی از جمله جامعه‌شناسی قرار گرفته و موجب شکل‌گیری جامعه‌شناسی تغذیه شده است (۹، ۱۰). مطالعات جامعه‌شناختی تغذیه، نقشی که محیط اجتماعی در تولید و مصرف مواد غذایی را ایفا می‌کند، بررسی می‌کند. در این راستا می‌توان به نظریه بوردیو و مفهوم عادت‌واره وی اشاره نمود. وی معتقد است که نحوه کنش عاملان اجتماعی را عادت‌واره آن‌ها تعیین می‌کند. عادت‌واره عبارت است از: نظامی از تمایل‌ها، علاقه‌ها، ادراک‌ها، سلیقه‌ها و ارزش‌ها که در شخصیت کنشگر به وسیله تجربه و در تعامل با دیگران فراهم آمده که ضمن تعیین شیوه‌های زندگی (۱۱، ۱۲)، نحوه مواجهه او با موقعیت‌های مختلف را جهت می‌بخشد و کنش را اداره می‌کند (۱۳). از دیدگاه بوردیو عادت‌واره دارای ابعاد مختلفی است که یکی از این ابعاد، عادت‌واره غذایی است (۱۴). بر اساس تعریف عادت‌واره، عادت‌واره غذایی عبارت است از نظامی از تمایل‌ها، علاقه‌ها، سلیقه‌ها، ارزش، مهارت، نگرش و رفتارهایی غذایی که در شخصیت کنشگران تجسم یافته است. به عنوان مثال علاقه و ارزش قائل شدن افراد به خوردن فست‌فود یا غذای خانگی، غذای پر چرب یا کم چرب، نوشیدنی (نوع و میزان آن)، میوه و سبزیجات (به طور روزانه)، شیر و سایر لبنیات (به طور روزانه)، غذاهای شکم‌پُرکن یا غذاهای نرم؛ چگونگی زمان و مکان وعده-های غذایی، حالت خوردن مواد غذایی (تند یا آرام)، مقدار غذا

فردین محمدی

مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی مؤثر بر سلامت، پژوهشکده توسعه سلامت، دانشگاه علوم پزشکی کردستان، سنندج، ایران (نویسنده مسئول)

امجد محمدی بلبلان‌آباد

مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی مؤثر بر سلامت، پژوهشکده توسعه سلامت، دانشگاه علوم پزشکی کردستان، سنندج، ایران

بختیار پیروزی

مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی مؤثر بر سلامت، پژوهشکده توسعه سلامت، دانشگاه علوم پزشکی کردستان، سنندج، ایران

عبدالرحیم افخم زاده

مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی مؤثر بر سلامت، پژوهشکده توسعه سلامت، دانشگاه علوم پزشکی کردستان، سنندج، ایران.

حسین محمدی

کارشناس ارشد جامع هشناسی. دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران

علی ملکی

کارشناس ارشد فیزیولوژی ورزشی، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی دانشگاه شهید بهشتی تهران، تهران، ایران

چکیده

هدف: مفهوم عادت‌واره غذایی شامل: علائق، سلیقه، تمایلات، ارزش‌ها، نگرش و عادات غذایی افراد می‌باشد. این مقاله با هدف بررسی عادت‌واره‌های غذایی و عوامل مرتبط با آن در ساکنان شهر سنندج انجام شده است.

روش: جامعه آماری این تحقیق شامل ساکنان شهر سنندج بود که با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای ۵۷۶ نفر از آن‌ها انتخاب شد. جهت انجام تحقیق و گردآوری داده‌ها نیز از روش پیمایشی و ابزار پرسشنامه بهره گرفته شد.

یافته‌ها: نتایج به‌دست آمده بیانگر آن است که میزان عادت‌واره شهروندان در سطح متوسط و متوسط به بالا قرار دارد. نتایج تبیینی تحقیق نیز حاکی از آن است که میزان همبستگی بین سرمایه اقتصادی و عادت‌واره غذایی برابر با ۰.۵۵۹ است و متغیر مستقل «سرمایه اقتصادی» به‌تنهایی حدود ۳۱ درصد از تغییرات عادت‌واره غذایی عاملان اجتماعی را تبیین می‌کند. نتایج تحلیل رابطه عادت‌واره غذایی و متغیرهای جمعیت‌شناختی نیز بیانگر آن است که عادت‌واره غذایی فقط با متغیرهای سن و وضعیت تأهل رابطه مستقیم معنادار دارد و با دیگر متغیرها (مذهب، تحصیلات و جنسیت) رابطه معنادار ندارد.

نتیجه‌گیری: بنابراین نتایج تحقیق حاکی از آن است که بین سرمایه اقتصادی و عادت‌واره غذایی رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد و سرمایه اقتصادی یکی از عوامل مؤثری است که در زمینه عادت‌واره غذایی نقش مهمی را ایفا می‌کند.

واژه‌های کلیدی: سرمایه اقتصادی، عادت‌واره غذایی، بوردیو.

1 Bourdieu

2 Habitus

ابزار جمع‌آوری اطلاعات پرسشنامه محقق‌ساخته بود. ابتدا شاخص‌های مربوط به هر کدام از متغیرهای تحقیق، بر اساس متون معتبر علمی استخراج شدند، سپس بر اساس آن‌ها گویه‌های پرسشنامه تدوین گردید. لازم به ذکر است تمامی سؤال‌ها به صورت بسته در مقیاس ۵ گزینه‌ای لیکرت طراحی شدند. در این پژوهش برای تعیین اعتبار ابزار اندازه‌گیری از اعتبار صوری استفاده شد. به طوری که پرسشنامه به تأیید جمعی از استادان و محققان رشته علوم تغذیه و علوم اجتماعی (شش نفر) قرار گرفت که دارای دانش نظری و تحقیقاتی در زمینه مربوطه بودند. همچنین حتی‌الامکان سعی شد تا در تدوین سؤال‌های مقیاس‌های اصلی از سؤال‌های مشابهی که در پرسشنامه‌های فراگیر داخلی و خارجی مورد استفاده قرار گرفته بود، استفاده شود. جهت سنجش پایایی ابزار گردآوری داده‌ها در مرحله اول پیش‌آزمون به عمل آمد. به طوری که پرسشنامه اولیه در میان ۴۰ نفر زن و مرد توزیع شد و پس از گردآوری داده‌ها آلفای کرونباخ آن به دست آمد. پس از گردآوری پرسشنامه‌ها، داده‌های گردآوری‌شده از نمونه‌ها به تفکیک وارد نرم‌افزار آماری SPSS شد و بعد از انجام آزمون-های آماری متعدد از جمله همستگی پیرسون و رگرسیون، نتایج به دست آمده مورد بررسی قرار گرفتند. نتایج به دست آمده بیانگر آن بود که متغیر سرمایه اقتصادی (برابر با ۰/۷۸۳) و متغیر عادت-واره غذایی (برابر با ۰/۷۷۵) دارای پایایی هستند. این تحقیق دارای دو متغیر اصلی سرمایه اقتصادی و عادت‌واره غذایی است که متغیرهای فاصله‌ای هستند و در مقیاس ۵ گزینه‌ای لیکرت طراحی شدند. در این پژوهش عادت‌واره غذایی عبارت است از نظامی از تمایل‌ها، علاقه‌ها، سلیقه‌ها، ارزش، مهارت، نگرش و رفتارهایی غذایی که در شخصیت کنشگران تجسم یافته است. بر اساس مطالعات نظری و تجربی خارجی و داخلی (۱۱، ۱۲، ۲۲-۲۵). در این پژوهش عادت‌واره‌های غذایی شامل ۴ بعد (علاقه‌ها و تمایلات...) می‌باشد که سؤال‌های آن به صورت بسته در مقیاس ۵ گزینه‌ای لیکرت طراحی شدند. سرمایه اقتصادی نیز شامل: سرمایه‌های مالی، میراث منقول و غیرمنقول و دارایی‌های گوناگون است که می‌تواند برای تولید کالا و خدمات به کار رود (۲۶). در این پژوهش سرمایه اقتصادی بر اساس مطالعات تجربی خارجی، داخلی و منابع موجود شامل مؤلفه‌های: درآمد، وضعیت منزل مسکونی، تملک؛ زمین مسکونی، زمین کشاورزی، مغازه، و برخورداری از مسکوکات، سهام کارخانه، ارزش تقریبی منزل، زمین کشاورزی، زمین مسکونی، منزل و مغازه است که سؤال‌های آن‌ها نیز به صورت بسته در مقیاس ۵ گزینه‌ای لیکرت طراحی شدند (۲۷-۳۰). در این تحقیق برای آن که مقایسه بین مؤلفه‌ها، شاخص‌ها و متغیرها بهتر و دقیق‌تر امکان‌پذیر باشد، سعی شد که به جای مجموع مقادیر از میانگین آن‌ها استفاده شود. با توجه به معیار میانگین مقادیر این مؤلفه از ۱ تا ۵ متغیر است. برای مقایسه عادت‌واره غذایی در بین گروه‌های مختلف متغیرهای جنسیت (شامل دو گروه زن و مرد)، تأهل (شامل دو گروه مجرد یا متأهل)، مذهب (شامل سه گروه تسنن، تشیع و سایر)، تحصیلات (شامل ۵ گروه زیر دیپلم، دیپلم، کاردانی، کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری) و سن در نظر گرفته شدند.

یافته‌ها

در کل ۵۷۶ نفر (۱۰۰ درصد) در مطالعه شرکت کردند. در این بررسی ۵۱/۸ درصد ($n=298$) پاسخگویان مرد و ۴۸/۲ درصد آن‌ها ($n=278$) مجرد بودند. اکثر پاسخگویان (۸۰/۹ درصد) دارای مذهب تسنن بودند. میانگین سنی پاسخگویان ۳۴/۷۴ می‌باشد. سایر متغیرها در جدول شماره ۱ آورده شده است. بر اساس داده‌های جدول شماره ۱، میانگین سطح عادت‌واره غذایی ساکنان شهر سنندج برابر ۳/۵۴ بودند. میانگین عادت‌واره ذهنی و عینی به

خوردن (کم یا زیاد)، نگرش به غذا (ضرورت کم‌خوری، میانه‌روی یا پر خوری، یا نگرش مثبت یا منفی به حضور سایر اعضای خانواده در وعده‌های غذایی)، اهمیت قائل شدن برای تاریخ مصرف مواد غذایی و بررسی آن، عناصر تشکیل‌دهنده عادت‌واره غذایی کنشگران هستند. بر این اساس مصرف غذا توسط کنشگران متأثر از عادت‌واره آن‌هاست. از دیدگاه بودیو «عادت‌واره‌ها به وضعیت نظام کالاهای (سرمایه‌ها) عرضه شده (موقعیت افراد) بستگی دارند؛ هر تغییر در نظام کالاهای موجب تغییری در عادت‌واره‌ها می‌شود (۱۴).

حال با توجه به مطالب مذکور، مسأله اساسی تحقیق آن است که به طور کلی وضعیت عادت‌واره غذایی ساکنان شهر سنندج چگونه است؟ چه عواملی بر عادت‌واره غذایی آن‌ها تأثیرگذار است؟ و در نهایت چه رابطه‌ای بین عادت‌واره غذایی ساکنان شهر سنندج و سرمایه اقتصادی آن‌ها وجود دارد؟ بر این اساس هدف تحقیق حاضر تعیین وضعیت عادت‌واره غذایی و عوامل مرتبط با آن (از جمله عوامل اقتصادی و جمعیت‌شناختی) در ساکنان شهر سنندج در سال ۱۳۹۷ می‌باشد. تحلیل جامعه‌شناختی عادت‌واره غذایی و عوامل مؤثر بر آن با رویکرد سلامت به لحاظ شناختی، راهبردی، مالی، موضوعی و نظری بسیار حائز اهمیت است و این امر انجام این تحقیق را ضروری می‌سازد. در این راستا لازم به ذکر است که تحلیل جامعه‌شناختی عادت‌واره غذایی و عوامل مؤثر بر آن با رویکرد سلامت، ضمن آن که وضعیت عادت‌واره غذایی را مشخص می‌نماید، عوامل اجتماعی اثرگذار بر آن را نیز تبیین می‌نماید که این امر موجب می‌شود تا متخصصان حوزه سلامت شناخت دقیقی از عادت‌واره غذایی اعضای جامعه و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن داشته باشند و در این زمینه سیاست‌ها و برنامه‌های دقیقی تدوین نمایند. تحقیقاتی که در حوزه جامعه‌شناسی و بهداشت در این زمینه انجام گرفته‌اند، بیشتر موضوع عادت‌واره غذایی را بررسی نموده‌اند که می‌توان به تحقیقات صدیقی (۱۳۸۶)، لسان و همکاران (۱۳۸۹)، مالکی شهرکی و همکاران (۱۳۹۴) اشاره کرد (۱۵، ۱۶، ۴، ۳)، البته برخی از تحقیقات نیز موضع غذا و تغذیه را به مثابه امری اجتماعی و فرهنگی مدنظر قرار داده‌اند که در این راستا می‌توان به تحقیقات ودادحیر و همکاران (۱۳۹۳)، هولت (۱۹۹۸)، فریدلند و همکارانش (۲۰۰۷)، بیگان و همکاران (۲۰۱۵) و اسکولینگ (۲۰۱۵) اشاره کرد (۱۷-۲۱). بررسی تحقیقات حوزه جامعه‌شناسی تغذیه و بهداشت بیانگر آن است که موضوع عادت‌واره غذایی مورد بررسی قرار نگرفته است، بنابراین در این تحقیق سعی شده که وضعیت عادت‌واره غذایی و عوامل مؤثر بر آن بررسی شود.

ابزار و روش‌شناسی

این مطالعه مقطعی از نوع مطالعات توصیفی تحلیلی است. جامعه مورد مطالعه شامل تمامی ساکنان بالای ۱۸ سال شهر سنندج در سال ۱۳۹۷. حجم نمونه با در نظر گرفتن سطح اطمینان ۹۵ درصد، احتمال خطای ۵ درصد، و شاخص اثر طرح (۱/۵) در فرمول کوکران برابر ۵۷۶ نفر تعیین شد. برای انتخاب نمونه‌ها از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای استفاده شد. ابتدا شهر سنندج از لحاظ وضعیت اقتصادی و فرهنگی به سه خوشه یا منطقه مرفه‌نشین، طبقه متوسط و فقیرنشین تقسیم شد. سپس، از هر ناحیه چهار خیابان یا شهرک که معرف منطقه مورد نظر هستند، انتخاب و در هر خیابان یا شهرک نیز پنج محله انتخاب شدند (منطقه مرفه‌نشین: مبارک‌آباد، شالمان، بلوار شبلی، شهرک سعدی؛ منطقه متوسط: ژاندارم‌ری، شهرک بهاران، شهرک مولوی، کشاورز؛ منطقه پایین‌شهر: عباس‌آباد، ۱۷ شهریور، نبوت، شهدا). در نهایت به صورت تصادفی در هر محله تعدادی از ساکنان به عنوان نمونه در هر طبقه انتخاب شدند؛ به طوری که از هر شش خانه، یکی انتخاب می‌شد.

ترتیب برابر با ۳/۵۵ و ۳/۴۶ بودند. میانگین سرمایه اقتصادی نیز برابر با ۲/۶۰ می‌باشد.

در زمینه تحلیل رابطه متغیرهای جمعیت‌شناختی با متغیر وابسته، نتایج آزمون مقایسه میانگین عادت‌واره غذایی بر حسب متغیر جنسیت بیانگر آن است که میانگین نمره‌ی عادت‌واره غذایی شهروندان مرد برابر با ۳.۵۸، میانگین نمره‌ی عادت‌واره غذایی شهروندان زن برابر با ۳/۵۱ و سطح معناداری این آزمون برابر با ۰.۰۷۹ می‌باشد. این نتیجه بیانگر آن است که تفاوت معناداری بین دو گروه زن و مرد به لحاظ میزان عادت‌واره غذایی وجود ندارد. نتایج آزمون مقایسه میانگین عادت‌واره غذایی شهروندان بر حسب وضعیت تأهل بیانگر آن است که میانگین نمره‌ی عادت‌واره غذایی شهروندان مجرد برابر با ۳.۴۲، میانگین نمره‌ی عادت‌واره غذایی شهروندان متأهل برابر با ۳.۶۶ و سطح معناداری این آزمون نیز برابر با ۰.۰۰۰ می‌باشد. این نتیجه بیانگر آن است که تفاوت معناداری بین دو گروه مجرد و متأهل به لحاظ میزان عادت‌واره غذایی وجود دارد و این نتیجه با اطمینان ۹۵ درصد قابل تعمیم به جامعه آماری است. نتایج آزمون مقایسه میانگین عادت‌واره غذایی شهروندان بر حسب وضعیت مذهبی نیز بیانگر آن است که میانگین نمره‌ی عادت‌واره غذایی شهروندان اهل تسنن برابر با ۳.۵۶، میانگین نمره‌ی عادت‌واره غذایی شهروندان اهل تشیع برابر با ۳.۵۳ و میانگین نمره‌ی عادت‌واره غذایی شهروندان معتقد به سایر مذاهب برابر با ۳.۴۲ و سطح معناداری این آزمون نیز برابر با ۰.۱۰۵ می‌باشد. این نتیجه بیانگر آن است که تفاوت معناداری بین گروه‌های مذهبی مختلف به لحاظ میزان عادت‌واره غذایی وجود ندارد. نتایج ضریب همبستگی اسپرمن بین دو متغیر تحصیلات و عادت‌واره غذایی بیانگر آن است که ضریب همبستگی بین این دو متغیر ۰.۴۲ می‌باشد و سطح معناداری نیز برابر با ۰.۳۹۳ می‌باشد. این نتیجه بیانگر آن است که بین دو متغیر تحصیلات و عادت‌واره غذایی رابطه معناداری وجود ندارد. به عبارت دیگر، افزایش یا کاهش تحصیلات موجب افزایش یا کاهش میزان عادت‌واره غذایی شهروندان نمی‌شود. نتایج آزمون همبستگی پیرسون بین دو متغیر سن و عادت‌واره غذایی نیز حاکی از آن است که میزان همبستگی این دو متغیر برابر با ۰.۲۴۹ و سطح معناداری نیز برابر با ۰.۰۰۰ می‌باشد. این نتیجه بیانگر وجود همبستگی مثبت (مستقیم) بین سن و عادت‌واره غذایی است. به عبارت دیگر، نتایج آزمون حاکی از آن است که با افزایش سن میزان عادت‌واره غذایی شهروندان نیز افزایش می‌یابد. البته لازم به ذکر است که میزان همبستگی بین این دو متغیر ضعیف است.

نتایج آزمون همبستگی پیرسون بین دو متغیر سرمایه اقتصادی و بُعد ذهنی عادت‌واره غذایی حاکی از آن است که میزان همبستگی متغیر مستقل سرمایه اقتصادی با میزان بُعد ذهنی عادت‌واره غذایی شهروندان سنندجی برابر با ۰.۵۹۶ می‌باشد. این نتیجه بیانگر وجود همبستگی مثبت (مستقیم) بین سرمایه اقتصادی و بُعد ذهنی عادت‌واره غذایی می‌باشد. البته لازم به ذکر است که میزان همبستگی بین این دو متغیر در سطح متوسط به بالا می‌باشد. سطح معناداری این آزمون برابر با ۰.۰۰۰ می‌باشد که چنین نتیجه‌ای بیانگر آن است که نتایج آزمون همبستگی بین دو متغیر سرمایه اقتصادی و بُعد ذهنی عادت‌واره غذایی معنادار است و می‌توان با اطمینان ۹۵ درصد این نتیجه را به جامعه آماری تعمیم داد. نتایج آزمون همبستگی پیرسون بین دو متغیر سرمایه اقتصادی و بُعد عینی عادت‌واره غذایی نیز حاکی از آن است که میزان همبستگی متغیر مستقل سرمایه اقتصادی با میزان بُعد عینی عادت‌واره غذایی شهروندان برابر با ۰.۳۸۸ می‌باشد. این نتیجه بیانگر وجود همبستگی مثبت (مستقیم) بین سرمایه اقتصادی و بُعد عینی عادت‌واره غذایی است. البته لازم به ذکر است که میزان همبستگی بین این دو متغیر در سطح متوسط به بالا می‌باشد. سطح معناداری این آزمون برابر با ۰.۰۰۰ است که چنین نتیجه‌ای بیانگر آن است که

نتایج آزمون همبستگی بین دو متغیر سرمایه اقتصادی و بُعد عینی عادت‌واره غذایی معنادار است و می‌توان با اطمینان ۹۵ درصد این نتیجه را به جامعه آماری تعمیم داد. نتایج تحلیل رگرسیونی خطی ساده نیز بیانگر آن است که مقدار استاندارد تأثیرگذاری متغیر مستقل سرمایه اقتصادی بر بُعد ذهنی عادت‌واره غذایی برابر با ۰.۳۵۴ سطح معناداری ۰.۰۰۰ می‌باشد. این نتایج حاکی از آن است که متغیر مستقل «سرمایه اقتصادی» به تنهایی حدود ۳۵.۴ درصد از تغییرات بُعد ذهنی عادت‌واره غذایی را تبیین می‌کند. چنین نتیجه‌ای بیانگر آن است که با افزایش هر واحد سرمایه اقتصادی، میزان بُعد ذهنی عادت‌واره غذایی شهروندان به اندازه ۰.۳۵ افزایش می‌یابد. نتایج تحلیل رگرسیونی خطی ساده بین سرمایه اقتصادی و بُعد عینی عادت‌واره غذایی نیز نشان می‌دهد که مقدار استاندارد تأثیرگذاری متغیر مستقل سرمایه اقتصادی بر بُعد عینی عادت‌واره غذایی برابر با ۰.۱۴۸ سطح معناداری ۰.۰۰۰ است. این نتایج نشان می‌دهد که متغیر مستقل «سرمایه اقتصادی» به تنهایی حدود ۱۴.۸ درصد از تغییرات بُعد عینی عادت‌واره غذایی را تبیین می‌کند. به عبارت دیگر، حدود ۱۵ درصد از اطلاعات بُعد عینی عادت‌واره غذایی شهروندان سنندجی در سرمایه اقتصادی آن‌ها نهفته است.

نتایج آزمون همبستگی پیرسون بین دو متغیر سرمایه اقتصادی و عادت‌واره غذایی (به طور کلی) نیز حاکی از آن است که میزان همبستگی متغیر سرمایه اقتصادی با میزان عادت‌واره غذایی برابر با ۰.۵۵۹ و سطح معناداری ۰.۰۰۰ می‌باشد. این نتیجه بیانگر وجود همبستگی مثبت معنادار بین سرمایه اقتصادی و عادت‌واره غذایی می‌باشد. به عبارت دیگر، نتایج آزمون نشان می‌دهد که با افزایش میزان سرمایه اقتصادی شهروندان میزان عادت‌واره غذایی آن‌ها نیز افزایش یا بهبود می‌یابد. نتایج تحلیل رگرسیونی خطی ساده بیانگر آن است که مقدار استاندارد تأثیرگذاری متغیر مستقل سرمایه اقتصادی بر عادت‌واره غذایی برابر با ۰.۳۱۱ سطح معناداری ۰.۰۰۰ می‌باشد. این نتایج حاکی از آن است که متغیر مستقل «سرمایه اقتصادی» به تنهایی حدود ۳۱.۱ درصد از تغییرات عادت‌واره غذایی را تبیین می‌کند. به عبارت دیگر، حدود ۳۱ درصد از اطلاعات عادت‌واره غذایی شهروندان سنندجی در سرمایه اقتصادی آن‌ها نهفته است. چنین نتیجه‌ای بیانگر آن است که با افزایش هر واحد سرمایه اقتصادی، میزان عادت‌واره غذایی شهروندان به اندازه ۰.۳۱ افزایش می‌یابد.

بحث و نتیجه‌گیری

در این پژوهش با رجوع به اغلب دیدگاه‌های نظری و منابع تجربی موجود و بهره‌گیری از نتایج به دست آمده از مرور آنها برای تحلیل رابطه سرمایه اقتصادی و عادت‌واره غذایی، چارچوب نظری تحقیق تنظیم و در قالب آن فرضیه‌های اصلی ارائه شدند و مورد آزمون قرار گرفتند. نتایج به دست آمده بیانگر آن است که میزان عادت‌واره غذایی شهروندان در سطح متوسط و متوسط به بالا قرار دارد (۳.۵۴). این امر بدان معناست که میزان علایق غذایی شهروندان سنندجی، میزان ارزش غذایی میزان نگرش غذایی و میزان عادت غذایی در سطح متوسط و متوسط به بالا قرار دارد. نتایج فرضیه‌های جزئی حاکی از آن است که بین سرمایه اقتصادی و ابعاد عادت‌واره غذایی شهروندان سنندجی رابطه معنادار وجود دارد. به طوری که با افزایش میزان سرمایه اقتصادی، میزان بُعد ذهنی و بُعد عینی آن افزایش می‌یابد. نتیجه فرضیه کلی پژوهش نیز بیانگر آن است که بین سرمایه اقتصادی و عادت‌واره غذایی شهروندان رابطه مستقیم و معناداری دارد. این نتایج مؤید نظریه بوردیو می‌باشد که معتقد است در فضای اجتماعی به ازای هر سطح از جایگاه‌های اجتماعی، سطحی از عادت‌واره‌ها وجود دارد که بر اثر شرایط اجتماعی مناسب با آن به وجود می‌آید (۱۷). بنابراین افراد مختلف دارای عادت‌واره‌های مختلفی خواهند بود. تنوع و تفاوت عادت‌واره‌های افراد نیز به دلیل تفاوت در حجم و ترکیب

توجهی است. به طوری که نتایج مقایسه میانگین عادت‌واره غذایی بر حسب جنسیت بیانگر آن است که تفاوت معناداری بین دو گروه زن و مرد به لحاظ میزان عادت‌واره غذایی وجود ندارد. این نتیجه نشان می‌دهد که شهروندان سندی (چه دختر، چه پسر) دارای عادت‌واره غذایی یکسانی هستند. این یکسانی ممکن است به دلیل وجود متغیرهای اجتماعی از جمله سرمایه اقتصادی و سرمایه فرهنگی است. نتایج مقایسه میانگین عادت‌واره غذایی بر حسب وضعیت مذهبی نیز حاکی از آن است که میانگین نمره‌ی عادت‌واره غذایی شهروندان اهل تسنن، تشیع و سایر مذاهب تفاوت معناداری با یکدیگر ندارند. نتایج مقایسه میانگین عادت‌واره غذایی بر حسب وضعیت تأهل نیز بیانگر آن است که افراد مجرد و افراد متأهل عادت‌واره غذایی متفاوتی دارند و این تفاوت معنادار است. نتایج آزمون رابطه بین دو متغیر تحصیلات و عادت‌واره غذایی نیز حاکی از آن است که بین دو متغیر تحصیلات و عادت‌واره غذایی رابطه معناداری وجود ندارد. نتایج آزمون رابطه بین دو متغیر سن و عادت‌واره غذایی حاکی از آن است که با افزایش سن میزان عادت‌واره غذایی شهروندان به طور معناداری افزایش می‌یابد. نتایج به دست آمده از رابطه بین عادت‌واره غذایی و متغیرهای جمعیت‌شناختی به شکل دیگری مؤید نظریه بورديو می‌باشند. به طوری که نتایج مقایسه میانگین عادت‌واره غذایی بر حسب جنسیت و مذهب نشان داد که تفاوت معناداری بین دو گروه زن و مرد یا گروه‌های مذهبی مختلف به لحاظ میزان عادت‌واره غذایی وجود ندارد. این نتیجه مؤید آن بخش از نظریه بورديو است که معتقد است عادت‌واره امری اجتماعی است نه ذاتی و جنسیتی. گروه‌های اجتماعی مختلف که سرمایه اقتصادی و فرهنگی متفاوتی در تملک دارند، از عادت‌واره‌های متفاوتی برخوردارند. لذا زنان طبقات پایین با زنان طبقات بالا به دلیل آن که سرمایه اقتصادی و فرهنگی متفاوتی دارند، عادت‌واره متفاوتی دارند. این نتیجه نشان می‌دهد عادت‌واره غذایی امری ذاتی و ژنتیکی نیست، بلکه امری اجتماعی است. همچنین یکسان بودن عادت‌واره غذایی گروه‌های مذهبی مختلف بدان دلیل است که آموزه‌های مذاهب مختلف اسلامی در زمینه تغذیه تا حدودی مشابه هم است و مثلاً اصلی آن قرآن مجید و سنت پیامبر اکرم (ص) است. بنابراین اگرچه آموزه‌های مذهبی جزء سرمایه فرهنگی محسوب می‌شوند و بایستی تا حدودی بر عادت‌واره افراد به ویژه عادت‌واره غذایی تأثیرگذار باشد، اما از آنجا که این آموزه‌ها به دلیل آن که مشابه هستند و منشاء واحدی دارند، در گروه‌های مذهبی مختلف عادت‌واره غذایی یکسانی ایجاد کرده‌اند. نتایج مقایسه میانگین عادت‌واره غذایی بر حسب وضعیت تأهل نیز نشان داد که تفاوت معناداری بین دو گروه مجرد و متأهل به لحاظ میزان عادت‌واره غذایی وجود دارد. این نتیجه از آن جهت مؤید نظریه بورديو است که بورديو تأکید دارد عادت‌واره امری اجتماعی است و افراد با ازدواج از سرمایه اجتماعی، اقتصادی، و فرهنگی مختلفی برخوردار می‌شوند و در نهایت در جایگاه‌های اجتماعی متفاوتی نسبت به جایگاه دوران مجردی قرار می‌گیرند و این امر به تدریج بر عادت‌واره آن‌ها تأثیر می‌گذارد. بورديو در آثار نظری و تجربی خود، تحصیلات یا مدارک تحصیلی را در زمره سرمایه فرهنگی از نوع نهادی قرار می‌دهد و معتقد است که این مدارک تحصیلی در حجم سرمایه فرهنگی افراد و در نهایت بر عادت‌واره آن‌ها تأثیرگذار هستند. اما نتایج آزمون رابطه بین دو متغیر تحصیلات و عادت‌واره غذایی در تحقیق حاضر نشان داد که بین این دو متغیر رابطه معناداری وجود ندارد. به عبارت دیگر، افزایش یا کاهش تحصیلات موجب افزایش یا کاهش میزان عادت‌واره غذایی شهروندان نمی‌شود. این نتیجه اگرچه در ظاهر با نظریه بورديو متناقض است، اما باید در نظر داشت که در دهه‌های اخیر در ایران به دلیل تحولات اجتماعی از جمله ساخت و تأسیس دانشگاه‌های مختلف با سطح عملی-آموزشی پایین، مدرک‌گرایی گسترش یافته

سرمایه‌هایی است که در تملک دارند. این بدان معناست که دسترسی به سرمایه اقتصادی این زمینه را برای عاملان اجتماعی در زمینه تغذیه فراهم می‌آورد تا روزانه کمتر فعالیت فیزیکی سخت انجام داده و کالری کمتری مصرف نمایند، زمان فراغت یا استراحت بیشتری داشته باشند، کمتر گرسنه شوند، با فروشگاه‌های مواد غذایی و رستوران‌های معتبری در تعامل باشند، محصولات و مواد غذایی با کیفیت و با ارزش‌تر (به لحاظ غذایی) خریداری یا مصرف نمایند و با غذاهای مختلف و متنوع آشنا شده و به ارزش و اهمیت آن‌ها پی‌برده و حتی با نحوه مصرف آن‌ها آشنا شوند. همچنین طبقه ثروتمند به دلیل تملک مالی به کتب، مجلات و سایت‌های علمی بهداشتی و پزشکی دسترسی بیشتری دارد و این امر زمینه را برای مطالعه امور غذایی و بهداشتی و آشنایی با این امور فراهم می‌نماید. به تدریج این امر زمینه را برای شکل‌دهی علایق، نگرش، ارزش و عادات غذایی خاصی فراهم می‌نماید. به طوری که این افراد به غذا نگرش شکم‌پرکنی ندارند، در وعده‌های غذایی (به دلیل آن که کالری کمتری سوزانده‌اند) بیشتر به کیفیت غذا اهمیت می‌دهند تا حجم غذا و به مواد غذایی که مفید هستند و دربرگیرنده مواد پروتئینی و ویتامینی هستند علاقه و تمایل پیدا می‌کنند و این علایق، ارزش‌ها و نگرش‌های غذایی بر کنش غذایی آن‌ها تأثیر گذاشته و آن‌ها را به سوی مصرف این گونه غذاها سوق می‌دهد و به دلیل انجام مکرر و متعدد، این کنش غذایی به عادت غذایی تبدیل شده و حتی بر نحوه غذا خوردن آن‌ها تأثیر می‌گذارد. با شکل‌گیری علایق، ارزش‌ها، نگرش‌ها و عادت غذایی در افراد طبقه ثروتمند، عادت‌واره غذایی مناسب در آن‌ها شکل می‌یابد که متناسب با آن جایگاه است و به لحاظ پزشکی بهتر و به لحاظ اجتماعی با ارزش‌تر و به لحاظ زیباشناسی، زیباتر است. به طور عینی و ملموس این امر سبب می‌شود که افراد این طبقه به مصرف میوه‌جات، ماهی، گوشت، حبوبات و غذای خانگی تمایل یابند و به مصرف آن‌ها اهمیت دهند و در مصرف آن‌ها نیز پُرخوری نکنند و به مصرف شیرینی‌جات، نمک، چای، نوشابه و ترشی‌جات علاقه نداشته باشند، اهمیت ندهند و از مصرف آن‌ها تا حد امکان دوری کنند.

این امر در افرادی که دسترسی کمتری به سرمایه اقتصادی دارند، متفاوت است، زیرا دسترسی کمتر به سرمایه اقتصادی موجب می‌شود که افراد با فعالیت فیزیکی زیاد و سوزاندن کالری بیشتر، بیشتر احساس گرسنگی کنند یا به دلیل قدرت اقتصادی ضعیف، مواد غذایی کم کیفیت و کم ارزش (به لحاظ غذایی) تهیه کنند، با فروشگاه‌ها و رستوران‌های ضعیف، بیشتر در تعامل باشند، یا به دلیل عدم دسترسی به کتب، مجلات و سایت‌های علمی در حوزه بهداشت و تغذیه با مواد غذایی با کیفیت، ارزش غذایی و نحوه مصرف آن‌ها کمتر آشنا شوند. این امر به تدریج سبب می‌شود که افراد این طبقه به غذا، نگرش شکم‌پرکنی داشته باشند و به حجم غذا اهمیت دهند و به مواد غذایی شکم‌پرکن علاقه و تمایل یابند و این گونه غذاها بیشتر برای‌شان اهمیت داشته باشد و به خوردن این غذاها اقدام نمایند و به تدریج به عادت غذایی آن‌ها تبدیل می‌شود. با شکل‌گیری علایق، ارزش‌ها، نگرش‌ها و عادت غذایی ضعیف در این افراد عادت‌واره غذایی ضعیف یا نامناسب در آن‌ها شکل می‌یابد که متناسب با جایگاه اقتصادی آن‌هاست و به لحاظ پزشکی نامناسب و به لحاظ اجتماعی کم ارزش‌تر و به لحاظ زیباشناسی، زشت‌تر است. به طور عینی و ملموس این امر سبب می‌شود که افراد این طبقه به مصرف زیاد میوه‌جات، ماهی، گوشت، حبوبات تمایل نداشته باشند و به مصرف آن‌ها زیاد اهمیت ندهند. در مقابل و به مصرف زیاد شیرینی‌جات، نمک، چای، نوشابه و ترشی‌جات علاقه داشته باشند، اهمیت دهند و به مقدار زیاد مصرف کنند و حتی در مصرف سایر مواد جایگزین این مواد نیز پُرخوری کنند. نتایج وضعیت عادت‌واره غذایی شهروندان سندی بر اساس متغیرهای جمعیت‌شناختی دربرگیرنده نتایج متفاوت، اما قابل

چنین نتیجه‌ای برای میدان بهداشت و دولت اهمیت شایانی دارد، زیرا دولت‌ها امروزه وضعیت سلامتی یا بهبود آن را منوط به مصرف دارو یا افزایش مکان‌های بهداشتی و بیمارستان‌ها می‌دانند و برای شهروندان سرانه بهداشت و درمان در نظر می‌گیرند و در امور درمانی و بهداشتی سرمایه‌گذاری می‌کنند. در حالی که نتیجه این تحقیق نشان می‌دهد که حدود ۳۱ درصد از تغییرات عادت‌واره غذایی شهروندان که بر سلامتی آن‌ها تأثیرگذار است، در سرمایه اقتصادی آن‌ها نهفته است. این بدان معناست که افزایش سرمایه اقتصادی علاوه بر آن که دارای تأثیرات اقتصادی است، در زمینه بهداشت و درمان نیز تأثیر مثبت دارد. به طوری که با بهبود وضعیت اقتصادی شهروندان، عادت‌واره غذایی آن‌ها نیز بهبود می‌یابد که این امر نیز بر ارتقای سلامتی آن‌ها تأثیر خواهد گذاشت (۵، ۶). بر اساس نتایج به دست آمد دولتمردان به ویژه کارگزاران میدان بهداشت بایستی به این موضوع که توجه ویژه نمایند. به طوری که دولتمردان با تغییر راهبردهای کلان در میدان بهداشت و درمان، تا حدودی مسیر هزینه بودجه در این میدان را اصلاح نمایند و به جای سرمایه‌گذاری در تأسیس بیمارستان‌ها، بخشی از بودجه آن را در راستای افزایش سرمایه اقتصادی شهروندان هزینه کنند و زمینه‌های ارتقای سلامت را فراهم آورند.

محدودیت‌های اجرایی طرح

این پژوهش همچون سایر پژوهش‌ها با مشکلات متعددی مواجه گشت که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

- اولین محدودیت در جریان این پژوهش مربوط به حجم زیاد جامعه و نمونه آماری بود که نسبت به سایر پژوهش‌ها حجم نمونه زیاد بود که این امر گردآوری داده را با مشکل مواجه کرد. البته با تلاش مستمر محققان این مشکل برطرف شد.
- یکی دیگر از محدودیت‌های این پژوهش عدم همکاری بسیاری از پاسخگویان در امر تکمیل نمودن پرسشنامه‌ها بود. دلیل این امر آن است که در جامعه‌ی ما هنوز پرسشگری به مثابه امری مهم در فرآیند توسعه برای مردم نهادینه نشده است. محافظه‌کاری بر افکار بیشتر افراد به چشم می‌خورد و از آنجا که موضوع سرمایه اقتصادی موضوعی حساسیت برانگیز است در پاسخ‌های اکثریت پاسخگویان رگه‌هایی از محافظه‌کاری وجود داشت. البته سعی شد اهداف مطالعه و تعهد مجریان به حفظ محرمانگی اطلاعات در ابتدای مطالعه برای پاسخگویان ذکر شود تا به حداقل برسد.

ملاحظات اخلاقی

در تمامی مراحل سعی شد که رضایت شفاهی و کتبی، رعایت اصل گمنامی و محرمانه بودن اطلاعاتی که افراد مشارکت‌کننده ارائه می‌نمایند، مد نظر قرار گیرد.

است، اما در مقابل به دلیل عدم توجه دقیق به امر آموزش در مدارس و دانشگاه، سطح سواد تحصیل‌کرده‌ها کاهش یافته است. این در حالیست که بورديو معتقد است مدارک تحصیلی در شرایط معمولی یعنی در شرایطی که مدرک‌گرایی در جامعه رخ نداده است، بر شکل‌گیری یا تغییر عادت‌واره تأثیر مثبت خواهند گذاشت. بنابراین دلیل رد این فرضیه، ممکن است وجود فضای مدرک‌گرایی در کشور باشد نه ضعف نظریه بورديو. تأیید رابطه بین دو متغیر سن و عادت‌واره غذایی نیز مؤید آن بخش از نظریه بورديو است که عادت‌واره در طول زمان و با افزایش سن تغییر می‌یابد.

مقایسه تحقیق حاضر با تحقیقاتی که در حوزه جامعه‌شناسی و بهداشت انجام گرفته‌اند، بیانگر آن است که تحقیقات مذکور، بیشتر موضوع عادات غذایی را بررسی نموده‌اند که در این راستا می‌توان به تحقیقات صدیقی (۱۳۸۶)، لسان و همکاران (۱۳۸۹)، مالکی شهرکی و همکاران (۱۳۹۴) اشاره کرد (۳، ۴، ۱۶). البته برخی از تحقیقات نیز موضع غذا و تغذیه را به مثابه امری اجتماعی و فرهنگی مدنظر قرار داده‌اند که در این راستا می‌توان به تحقیقات وادهیر و همکاران (۱۳۹۳)، هولت (۱۹۹۸)، فریدلند و همکارانش (۲۰۰۷)، بیگان و همکاران (۲۰۱۵) و اسکولینگ (۲۰۱۵) اشاره کرد (۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۱). این در حالیست که تحقیق حاضر به جای بررسی مفهوم عادات غذایی که امری عینی و ملموس است و یک رفتار به شمار می‌آید، مفهوم عادت‌واره غذایی که امری دو بُعدی است (عینی و ذهنی) و هدایتگر کنش غذایی کنشگران اجتماعی است را مورد بررسی قرار داده و از این طریق موضوعات مورد بررسی در حوزه جامعه‌شناسی پزشکی را گسترش داده و زمینه را برای تحقیقات گسترده‌تر فراهم نموده است. از سوی دیگر، تحقیق حاضر با بررسی رابطه سرمایه اقتصادی و عادت‌واره غذایی نشان داده است که عادت‌واره غذایی امری اجتماعی است و متأثر از متغیرهای اجتماعی از جمله سرمایه اقتصادی است. در حالی که تحقیقات حوزه عادات غذایی بیشتر موضوع وضعیت عادات غذایی را بررسی نموده و به موضوع نقش سرمایه اقتصادی بر عادت‌واره غذایی کمتر توجه نموده‌اند. نتایج تحقیق حاضر از آنجا که بیانگر وضعیت متوسط عادت‌واره غذایی شهروندان است و همچنین حاکی از رابطه سرمایه اقتصادی و عادت‌واره غذایی و نشان‌دهنده آن به مثابه امری اجتماعی است، مؤید نتایج تحقیقات تجربی وادهیر و همکاران (۱۳۹۳) می‌باشد که معتقد بودند غذا و شیوه‌های غذا خوردن امری اجتماعی- فرهنگی است و این شیوه‌های غذایی در بستری اجتماعی- فرهنگی و با توجه به مؤلفه‌هایی مانند روابط اجتماعی، خویشاوندی، جنسیت، تاریخ و ویژگی‌های زیست محیطی صورت‌بندی می‌شود. به طور کلی، نتایج تحقیق نشان داد که بین سرمایه اقتصادی و عادت‌واره غذایی شهروندان رابطه مثبت و معنادار وجود دارد.

جدول ۱. متغیرهای جمعیت شناختی و اقتصادی مشارکت کنندگان

متغیر	تعداد (درصد)	سطح عادتواره غذایی میانگین (انحراف معیار)	P-value
جنس			۰/۰۷۹ ^۱
مرد	۵۱/۸	۳/۵۸	
زن	۴۸/۲	۳/۵۱	
تأهل			۳/۰۰۰ ^۲
متاهل	۵۱/۴	۳/۶۶	
مجرد	۴۸/۶	۴۲/۳	
مذهب			۳/۰۱۰۵ ^۳
تسنن	۸۰/۹	۳/۵۶	
تشیع	۹/۲	۳/۵۳	
سایر	۹/۱	۳/۴۲	
تحصیلات			۰/۳۹۳ ^۴
زیر دیپلم	۱۴/۲		
دیپلم و کاردانی	۲۸/۸		
کارشناسی	۴۱/۸		
کارشناسی ارشد	۱۰/۲		
دکتری	۵		
سن			۰/۰۰۰ ^۵
سرمایه اقتصادی			
کم	۳۴/۸	۰/۲۴۹	
متوسط	۵۲/۷	۲/۶۰	
زیاد	۱۲/۵		
عادتواره غذایی			
کم	۰/۳	۳/۵۴	
متوسط	۶۳/۸		
زیاد	۳۵/۹		
عادتواره غذایی ذهنی			
کم	۰/۳	۳/۵۵	
متوسط	۵۷/۹		
زیاد	۴۱/۸		
عادتواره غذایی عینی			
کم	۵/۹	۳/۴۶	
متوسط	۵۳/۲		
زیاد	۳۵/۹		

جدول ۲. نتایج رگرسیون خطی ساده سرمایه اقتصادی و ابعاد عادتواره غذایی

متغیر مستقل	متغیر وابسته	ضریب همبستگی	سطح معناداری	ضریب تعیین (R^2)	استاندارد شده (R^2)
سرمایه اقتصادی	بُعد ذهنی عادتواره غذایی	۰/۵۶۹	۰/۰۰۰	۰/۳۵۶	۰/۳۵۴
	بُعد عینی عادتواره غذایی	۰/۳۸۸	۰/۰۰۰	۰/۱۵۱	۰/۱۴۸
	عادتواره غذایی	۰/۵۵۹	۰/۰۰۰	۰/۳۱۳	۰/۳۱۱

آزمون t
آزمون t
تحلیل واریانس
همبستگی اسپیرمن

References

1. Afrasiabi H, Moradifar T. Meaning Reconstruction of Life Style Change among Lor Women in Yasuj City. *Quarterly Journal of womaens studies sociological and Psychological*. 2015; 13 (3): 77- 98. [In Persian].
2. Khodaveisi M, Omidi A , Farokhi Sh, et al. Dietary Behavior Status And Its Predictors Based On The Pender`s Health Promotion Model Constructs Among Overweight Women referred to Fatemeh hospital clinics in Hamedan, 2014. *Journal of nursing education*. 2016; 5 (2): 31-40. [In Persian].
3. Lesan SH, Mirheydari Z, Sotoudeh G, et al. Osteoporosis Related Food Habits and Behaviors: a Cross-Sectional Study among Female Teachers. *Journal of Hayat*. 2011; 16 (3-4): 86-94. [In Persian].
4. Maleki Shahraki H, Raisi Dehkordi Z, Karami Dehkordi A, et al. Survey of Patterns and Habit of Food among Girl Teenage in Kiar School. *Journal of Neyshabour University of medical sciences*. 2015; 3 (1): 28-37. [In Persian].
5. Saaidy Bakhtiary Moghadam Z. Identify the Specific Health behavior and its relation with certain demographic characteristics of hypertensive clients. *Iran Journal of Nursing*. 1998; 12 (18-19): 5-15. [In Persian].
6. Mohamad Tajfard M, Vahedian Shahrودي M, Esmaily H, et al. Determinants of proper nutrition behaviors in women: A study based on health promotion model in 2016. *The Iranian Journal of obstetrics, Gynecology and infertility*. 2017; 20 (9): 8-15. [In Persian].
7. Mazlomi mahmood abad S, Fazel poor SH, Askarshahi M. Health-Promoting Behaviors and Psychosocial Well-Being of University Shahid Sadoqi Yazd Academic Staff in Iran. *Journal of Ilam University of medical sciences*. 2013; 21 (3): 12-22. [In Persian].
8. Marzband R, Afzali M. The role of nutrition in health with the approach of revelation. *Journal of Islamic and Iranian traditional medicine*. 2014; 4(4): 370-381. [In Persian].
9. Alizadeh Aghdam M. A Sociological Analysis of Food-Style among Tabriz Citizens. *Social welfare quarterly*. 2012; 12 (44): 285-320. [In Persian].
10. Khaje Noori B, Kochani Esfahani M. Cultural capital and consumption of modern and traditional food. *Journal of Socio-cultural changes*. 2016; 13 (1): 52-65. [In Persian].
11. Bourdieu P. Sports actions and social actions. . Translated by Richard Nice. *Arghanoon*. 2002. 20: 1-10. [In Persian].
12. Beck E. Repopulating Development: an Agent-Based Approach to studing development inteventions. *World Development*. 2016; 80: 19-32.
13. Bourdieu P. *Outline of theory of practice*. Translated by Richard Nice. 1995; Combridge: Combridge University Press.1995. [In Persian].
14. Bourdieu P. *Distiction: a social critique of the judgement of taste*. Translated by Hassan chavoshian, Tehran: Sales. 1999. [In Persian].
15. Keshavarz Z, Simbar M, Ramezankhani A, et al. The Priorities of Policy Making for Health Promotion Behaviors of Female Workers: A Sequential Mixed Method Study. *Journal of payavard salamat*. 2016; 10 (1): 36-50. [In Persian].
16. Sodeify R. a study to determine the Iranian governmental high school student`s food habits and their comparison with food guide pyramid. *Nursing and midwifery journal*. 2007; 5 (3): 116-121. [In Persian].
17. Holt DB. Does cultural capital structure American consumption? *Journal of Consumer Research*. 1998; 25(1): 1-25.
18. Friedland L, Shah D, Lee N, et al. Capital, Consumption, Communication, and Citizenship: The Social Positioning of Taste and Civic Culture in the United States, *Annals of the American Academy of Political and Social Science*. 2007; 611: 31-50.
19. Vedadhir A, Chaghalvand M, Rafifar J, et al. Indigenous and Traditional Food Systems of Lak People: An Ethnographic Research in Rural and Nomadic Districts of Lorestan, Iran. *Journal of community development*. 2014; 6 (1): 72-108. [In Persian].
20. Beagan B, Power E, Chapman G. "Eating isn't just swallowing food":

- Food practices in the context of social class trajectory. *Canadian Food Studies*. 2015; 2 (1): 75-98.
21. Kamphuis C, Jansen T, Mackenbach J, et al. Bourdieu's Cultural Capital in Relation to Food Choices: A Systematic Review of Cultural Capital Indicators and an Empirical Proof of Concept. *PLoS One*. 2015; 10(8): 1-15.
 22. Ritzer G. *Contemporary sociological theory*. Translated by Mohsen solasi, Tehran: Ney. 2014. [In Persian].
 23. Pang B, Soong H. Teachers experiences in teaching Chinese Australian student in health and physical education. *Teaching and Teacher Education*. 2016; 56: 84-93.
 24. Lessard. C, Contandriopoulos A, Beaulian D. The role (or note) of economic evaluation at the micro level: can Bourdieu's theory provide away forward for clinical decision –making? *Social Science & Medicine*. 2010; 70: 1984-1956.
 25. Dormundo S. Bourdieu's field theory, as a theoretical framework for analyzing the process of degree completion in graduate education. *Revista Electronica de investigation educative*. 2007; 9 (1): 1-21.
 26. Turner J. *Contemporary sociological theory*. Translated by Ali asghar moghadas and Maryam sorosh, Tehran: Jameshenasan. 2015. [In Persian].
 27. Yamamoto Y, Brinton M. C. Cultural capital in East Asian educational systems: the case of Japan. *Sociology of Education*. 2010; 83 (1): 67-83
 28. Kosutic I. The role of cultural capital in higher education access and institutional choice. *C.E.P.S Journal*. 2017; 7 (1): 150-170.
 29. Wang H., & Wang J. The effect of habitus and capital on adoption behavior of E-commerce information system: an investigation of digital immigrants. *Open Journal of Social Sciences*. 2017; 5: 110- 159.
 30. Bourdieu P. *The forms of capital*. In J.C. Richardson (Ed.), *Handbook of theory and research for sociology of education* (pp. 241-258). 1986; New York: Greenwood Press.